فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت
سال هشتم / شماره بیست و پنجم/ تابستان ۱۳۹٤

تاثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

سحر سپاسی[۱]
زهرا فتحی[۲]

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۰

چکیده

مالیات یکی از عوامل انگیزشی در بسیاری از تصمیم‌گیری‌هاست. تحقیقات اخیر نشان می‌دهند فعالیت‌های مدیریت منحصراً در جهت کاهش مالیات شرکت از طریق سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی می‌باشد. به منظور بررسی این امر در این پژوهش رابطه برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی همچون(نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره) بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است. نمونه مورد بررسی شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۷، و روش آماری مورد استفاده، مدل رگرسیون لجستیک است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره، تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی ندارد. اما این درحالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی‌ها به ترتیب رابطه‌ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی دارند.

واژه‌های کلیدی: ساختار هیأت مدیره، سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی، حاکمیت شرکتی.

۱- استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) sepasi@modares.ac.ir
۲- کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Archive of SID
www.SID.ir

۱- مقدمه

از مهم‌ترین هزینه های شرکت‌ها،هزینه‌های مالیات بر درآمد می‌باشد و معمولا شرکت‌ها آنرا به عنوان هزینه‌ای که نباید پرداخت نمایند، تلقی می‌کنند. لذا سعی در کاهش این هزینه دارند و در شناسایی هزینه‌ها و درآمدهای شرکت‌ها نهایت جانبداری را می‌نمایند تامالیات کمتری به دولت پرداخت نمایند وبه تبع نقدینگی کمتری را از شرکت خارج نمایند.

سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیات،فعالیت‌هایی هستند که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نمایند؛ از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت-ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام سهامداران را کاهش می-دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد، لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی تقلیل‌دهنده از جمله خط مشی‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و هم-چنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد.

ارتباط و تاثیر هزینه‌های مالیات و سیاست تقلیل-دهنده مالیاتی از دیدگاه تئوری نمایندگی نیز تفسیر و تعبیرمی‌شود؛ بطوری‌که هیأت مدیره همواره بدنبال منافع خود و حداکثر سازی آن است و الزاماً در جهت منافع سهامداران و دولت نیست، لذا ممکن است در حوزه مالیاتی با اتخاذ سیاستی تقلیل‌دهنده خاص مبادرت به ایجاد هزینه‌هایی برای سهامداران نماید. از آنجا که بازار سهام همواره نسبت به اعمال معافیت-های قانونی قوانین مالیات برای شرکت‌ها واکنش مثبت نشان داده است، اتخاذ سیاست‌های مالیاتی که در راستای منافع سهامداران نباشد موجب تحمیل هزینه‌هایی تحت عنوان هزینه‌های کارگزاری خواهد شد و عکس العمل بازار اوراق بهادار را به دنبال خواهد داشت. تحقیقات مختلفی در خارج کشور در این خصوص انجام شده که همگی مؤید واکنش بازار سهام نسبت به این نوع سیاست‌ها می‌باشد(گاربارینو (۲۰۰۸)، اسلمرود (۲۰۰۹)، چن،چنگ و شاولین (۲۰۱۰)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱)، لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) و اوسیمک (۲۰۱۱)).آیا فعالیت-های مدیریت از طریق سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی به نحوی است که موجب کاهش مالیات شرکت شود یا خیر؟به عبارتی آیا ساختار اعضای هیات مدیره بر سیاست های متهورانه مالیاتی تاثیر معناداری دارد؟از اینرو، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی می باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه‌ی پژوهش

سیاست های تقلیل‌دهنده مالیاتی فعالیت هایی است که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می نماید. از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت-ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام سهامداران را کاهش می-دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرائی و هیات مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد، لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی (متهورانه یا محافظه‌کارانه) از جمله خط مشی‌هایی هست که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد. بازار سهام همواره نسبت به اعمال معافیت‌های قانونی قوانین مالیات برای شرکت‌ها واکنش مثبت نشان داده است بدین ترتیب این سیاست‌ها می‌تواند از جنبه هزینه‌های نمایندگی و

Archive of SID
www.SID.ir

تئوری نمایندگی نیز مورد توجه و تاکید قرار گیرد اتخاذ سیاست‌های مالیاتی که در راستای منافع سهامداران نباشد، موجب تحمیل هزینه‌هایی تحت عنوان هزینه‌های کارگزاری خواهد شد و عکس‌العمل بازار اوراق بهادار را به دنبال خواهد داشت (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

از سویی دیگر مدیران ارشد شرکت (هیات مدیره) به عنوان مهم‌ترین رکن شرکت که انواع تصمیمات مالی و مالیاتی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند بر سیاست‌های مالیاتی (از نوع متهورانه یا محافظه-کارانه) تاثیرگذار باشند. با توجه به الزام حسابرسی مالیاتی توسط حسابرسان مستقل به موجب ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم و انتخاب (پیشنهاد) حسابرسان مستقل توسط هیات مدیره و تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام، هیات مدیره می‌تواند بر میزان هزینه‌های غیر قابل قبول مالیاتی و نیز انواع معافیت‌های مالیاتی و تاخیر در پرداخت‌های مالیاتی و همچنین اظهار نظر آن‌ها در خصوص مالیات بر ارزش افزوده بر حسابرسان اعمال نظر نموده و هر آنچه که خود مد نظر دارند را از طریق حسابرسان مالیاتی تاییدیه بگیرند و با توجه به فرجه زمانی پیش-بینی شده در قانون مالیات‌ها برای رسیدگی و صدور برگه تشخیص مالیاتی و امکان تجدید نظر و تشکیل شورای حل اختلاف، مودیان شرکت‌ها می‌توانند در نقدینگی خود صرفه‌جویی زیادی به عمل آورند و از این موارد در شرکت‌ها بسیار زیاد است. آن‌ها همچنین می‌توانند میزان درآمدها و هزینه‌های قابل محاسبه برای تعیین مالیات در سال‌های مختلف را دستکاری نموده و موجب انتقال هزینه‌های مالیاتی به دوره‌های آتی گردند واز آنجا که تعیین حسابرس مستقل وحسابرس مالیاتی موضوع ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌ها در ایران با پیشنهاد هیات مدیره در مجامع عمومی مورد تصویب قرار می‌گیرند، لذا تاثیر آن‌ها نیز بااهمیت‌تر نمایان می‌شود و آن‌ها می‌توانند سیاست‌های مالیاتی را به نحوی انتخاب نمایند که هزینه‌های نمایندگی خود را بر سهامداران تحمیل نمایند.

دسای و هارماپلا[1] (۲۰۰۶) به بررسی نقش آثار بازخورد میان معافیت مالیاتی و رفتارهای گوناگون مدیریتی در تعیین چگونگی و نحوه تاثیرگذاری انگیزه‌های بالای مدیران بر تصمیمات فرار مالیاتی پرداختند. وی بیان می‌نماید افزایش در انگیزه‌های جبرانی و تشویقی منجر به کاهش سطح معافیت مالیاتی می‌شود به‌گونه‌ای که مطابق و سازگار با رابطه مکمل میان تنوع و فرار مالیاتی است.این اثر منفی،در وهله اول ناشی از وجود تدارکات و الزامات ضعیف نظام راهبری در شرکت است. هم‌چنین نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد شکاف‌های مالیات و ارزش دفتری در ارتباط با نرخ‌ها و بازده‌های غیرعادی منفی مکرر هستند. دایرنگ و همکاران[2] (۲۰۰۸) معیار جدیدی برای مدیریت و اداره طولانی‌مدت ترفندهای مالیاتی شرکت‌ها تدوین کردند که بر اساس توانایی شرکت‌ها در پرداخت مبالغ اندک هر دلار مالیات نقدی از سود قبل از کسر مالیات در دوره‌های زمانی طولانی‌مدت است.که این معیار را نرخ مؤثر مالیاتی نقدی طولانی مدت نامگذاری کرده‌اند و در پاسخ به این‌که تا چه اندازه بعضی از شرکت‌ها قادر به اجتناب از پرداخت مالیات در دوره‌های طولانی مدت تا ۱۰ سال هستند و چگونه نرخ‌های مالیاتی یکساله برای ترفندهای مالیاتی طولانی مدت،قابلیت پیش‌بینی دارد؛ از آن استفاده نمودند. نتایج پژوهش وی حاکی از اینست که نرخ‌های موثر مالیات تعهدی سالانه، از قابلیت پیش‌بینی خوبی برای نرخ‌های موثر مالیات تعهدی طولانی مدت برخوردار نبوده و بنابراین نماینده خوب و مناسبی برای ترفندهای مالیاتی طولانی‌مدت نیستند. بعضی از شواهد نشان از ایستادگی و ثبات نرخ های

Archive of SID
www.SID.ir

مؤثر مالیات تعهدی سالانه دارد. نرخ‌های پایین موثر مالیات تعهدی سالانه بسیار باثبات‌تر از نرخ‌های بالای موثر مالیات تعهدی سالانه هستند.آرمسترانگ و همکاران[3](۲۰۱۰) به مطالعه انگیزه‌های برنامه‌ریزی مالیاتی با استفاده از یک مجموعه از داده‌های سلسله مراتبی همراه با اطلاعات تشویقی و جبرانی مدیران اجرایی به بررسی روابط میان انگیزه‌های مدیران مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری و آثارتعهدی نرخ‌های مالیاتی و شکاف ارزش دفتری مالیات و معیارهای اندازه‌گیری اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی پرداختند. نتایج گویای اینست که انگیزه‌های جبرانی و تشویقی مدیران مالیاتی، رابطه منفی با نرخ موثر مالیاتی اصول پذیرفته شده حسابداری دارد، اما رابطه کمی با سایر نگرش‌ها و رفتارهای مالیاتی دارد.این نتایج را به‌صورت یک شاخص تفسیر نموده،بدین-گونه که انگیزه‌های فراهم شده برای مدیران به منظور کاهش سطح هزینه مالیات گزارش شده در صورت-های مالی است. لنیس و ریچاردسون[4] (۲۰۱۱)به بررسی ارتباط بین سیاست تقلیل‌دهنده مالیات و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بپرداختند؛ بر این اساس نمونه‌ای از ٤٠٨ شرکت طی سال‌های مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸در استرالیا را انتخاب نمودند. نتایج حاکی از وجود ارتباط منفی و معناداری بین افشا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی بود.لنیس و ریچاردسون[5] (۲۰۱۱)، به بررسی اثرات ترکیب هیأت مدیران بر اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی پرداخت. بدین منظور ۳۲ شرکت که شامل ١٦ شرکت دارای رفتارهای تقلیل‌دهنده و ١٦ شرکت بدون رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی، به عنوان نمونه انتخاب نمودند و از طریق اجرای رگرسیون لاجیت برای نمونه انتخابی، بیان می‌نمایند وجود نسبت بالایی از اعضای خارجی در هیأت مدیران، احتمال رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی را کاهش می‌دهد.

در ایران باباجانی و عبدی(۱۳۸۹) به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداخته‌اند. این ارزیابی ازطریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی (درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره، نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل و سهامداران نهادی) با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند،با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است.این در حالی است که در هر گروه شرکت-ها،درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

در تلاش برای ارزیابی تأثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی، با توجه به یافته های لنیس و ریچاردسون[6] (۲۰۱۱)در بررسی اثرات ترکیب هیأت مدیران بر اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی،فرضیه‌هایی به شرح زیر طراحی و مورد آزمون قرار گرفت:

فرضیه اول: نسبت اعضای موظف هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: نسبت تغییرات رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

Archive of SID
www.SID.ir

٤- روش‌شناسی و طرح پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های شبه‌تجربی و پس‌رویدادی است و با استفاده از اطلاعات گذشته انجام شده است. دوره زمانی این پژوهش ۵ سال، از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ و جامعه آماری این پژوهش نیز متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا ابتدای سال ۱۳۸۷ است. براین اساس، به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها باید منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند. همچنین، طی دوره مورد بررسی فعالیت مستمر داشته و جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری نباشند. هم‌چنین، کلیه اطلاعات مدیریتی و مالی موردنیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی نیز در دسترس باشد. در نهایت با توجه به معیارهای ذکر شده، تعداد ۹۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۷ برای انجام این پژوهش انتخاب شده است. اطلاعات مربوط به نقش هیأت مدیره شرکت‌ها از وب سایت بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار تدبیرپرداز استخراج شد. سایر متغیرهای پژوهش با استفاده از داده‌های ترازنامه و صورت سود و زیان شرکت‌ها استخراج شده است.برای آماده‌سازی متغیرها از نرم‌افزار Excel و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نرم‌افزار آماریSpssاستفاده می‌گردد.

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک پلکانی تحلیل می‌گردند.در این مدل برای ورود متغیرها به رگرسیون، در ابتدا کار با مدلی آغاز می‌شود که فقط دارای مقدار ثابت است و هیچ متغیر مستقلی در آن وارد نمی‌شود. سپس تمام متغیرهای مستقل وارد مدل شده و اثر آن بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. متغیرهایی که سطح معنادار آن ها بالاتر از سطح مورد نظر است از مدل خارج شده و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که سطح خطا به ۱۰٪ برسد. این پژوهش از یک طبقه‌بندی دو وجهی برای تقسیم شرکت‌های مورد بررسی به دو گروه شرکت-های استفاده‌کننده از سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی و شرکت‌های بدون سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، استفاده شده است. به منظور تبیین سیاست تقلیل‌دهنده شرکت، از مدل مطرح شده توسط لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱) استفاده می‌شود.ارزیابی کلی این الگو، با استفاده از آماره احتمال درست‌نمایی، شاخص‌های R^2کاکس-اسنیل[۷] و R^2نگلرک[۸] استفاده می‌شود. ارزیابی ضرایب جزئی الگو از آماره والد و نسبت شانس هر یک از متغیرهای مورد بررسی صورت می‌گیرد(پنگ[۹] و همکاران، ۲۰۰۲، ٦-٥). با توجه به این مطالب، برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از الگوی رگرسیون لجستیک چندمتغیره به روش پلکانی به شرح زیر استفاده شده است:

$$\ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = \alpha + \beta_1(EB)_{it} + \beta_2(BC)_{it} + \beta_3(DC)_{it} + \beta_4(OP)_{it} + \beta_5(T)_{it} + \beta_5(ROA)_{it} + \beta_6(Leve)_{it} + \beta_7(TO)_{it} + \varepsilon_i$$

که در این رابطه داریم:

EB[۱۰]:نسبت هیأت مدیره موظف

BC[۱۱]:نسبت تغییرات هیأت مدیره

DC[۱۲]:تفکیک و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره

OP[۱۳]:نوع اظهار نظر حسابرس مستقل

T[۱٤]: وضعیت مالیاتی شرکت‌ها

ROA: نسبت بازده دارایی‌ها

LEVE: نسبت اهرمی شرکت‌ها

TO[۱۵]: نوع مالکیت شرکت‌ها

ε: انحراف تصادفی

β: میزان تاثیر هر یک از متغییر های مستقل بر TAG[۱٦]

β_0: عرض از مبدأ خط رگرسیون

Archive of SID

www.SID.ir

۵- متغیرهای پژوهش

۵-۱- متغیر مستقل

در این پژوهش، سه متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است، نسبت هیأت مدیره موظف (تعداد اعضای هیأت مدیره موظف شرکت تقسیم بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره)، نسبت تغییرات هیأت مدیره (تقسیم تعداد هیأت مدیره تغییر یافته در هر شرکت به تعداد کل هیأت مدیره شرکت) و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره (اگر رئیس هیأت مدیره همان مدیر عامل باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ به شرکت داده خواهد شد.)

۵-۲- متغیر وابسته

در پژوهش حاضر، سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی (TAG) به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد. که به منظور محاسبه آن ابتدا نرخ مؤثر مالیاتی و سپس متوسط نرخ مالیاتی صنعت محاسبه می‌شود که در ادامه این نرخ توضیح داده می‌شود:

اگر نرخ مالیاتی هر شرکت نمونه > متوسط نرخ صنعت باشد؛ ارزش یک می‌گیرد (ارزش یک به معنای این است که شرکت دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی می‌باشد).

اگر نرخ مالیاتی هر شرکت نمونه< متوسط نرخ صنعت باشد؛ارزش صفر می‌گیرد. (ارزش صفر به معنای این است که شرکت دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی نمی‌باشد)(چن و همکاران[17]، ۲۰۱۰، ٤٦-٤١).

نرخ مؤثر مالیاتی: هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات شرکت‌ها (همان منبع).

متوسط صنعت نرخ مالیاتی: از طریق تقسیم نرخ مؤثر تمام شرکت‌های نمونه تقسیم بر تعداد شرکت‌ها محاسبه نموده

۵-۳- متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل دیگر عوامل احتمالی موثر بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی، با توجه به پژوهشلنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱) ، متغیرهای زیر به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است:

نوع اظهار نظر حسابرس مستقل:اگر اظهار نظر حسابرس مقبول باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت به آن عدد ۰ داده خواهد شد.

اهرم مالی: برای اندازه‌گیری آن از طریق تقسیم جمع بدهی‌های شرکت به جمع دارایی‌های شرکت در متوسط ۵ سال اقدام می‌شود.

نسبت بازده دارایی‌ها: برابر است با میانگین سود خالص به جمع دارایی‌های شرکت‌ها.

نوع مالکیت شرکت‌ها: اگر شرکت دولتی (بر اساس تعریف قانون محاسبات عمومی اگر بیشتر از ۵۰ درصد سهام شرکت به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق به دولت باشد، دولتی تلقی می‌شود) باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ به آن داده خواهد شد.

وضعیت مالیاتی شرکت: اگر شرکت به برگه تشخیص مالیاتی اداره دارایی اعتراض ننموده بود، عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ به آن داده خواهد شد.

٦- نتایج پژوهش

٦-۱- آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه و در جدول ۱ ارائه گردیده است. متذکر می‌شویم متغیر نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره از همان ابتدا از بررسی خارج شد، چرا که در شرکت‌های انتخابی در هیچ یک از موارد رئیس هیأت مدیره همان نقش مدیر عامل را ایفا نمی‌کرد. تعداد مشاهدات سال- شرکت

Archive of SID
www.SID.ir

براساس داده‌های نمونه ۹۷ شرکت بوده است. بررسی متغیرهای توضیحی نشان می‌دهد به طور میانگین ۰/۳٤ از اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های عضو نمونه، موظف هستند، که بررسی این متغیر طی سال-های مختلف بیانگر ثبات میانگین آن طی سال‌های تحقیق است. از سوی دیگر درصد تغییرات هیأت مدیره به طور میانگین ۰/۱۳۹۱ است که بیشترین درصد تغییرات هیأت مدیره ۱ و کمترین این نسبت، صفر مربوط به زمانی است که تغییرات در هیأت مدیره صورت نگرفته است. همچنین بیشترین مقدار نوع مالکیت ۱ و کمترین آن صفر است که به ترتیب نشان‌دهنده شرکت‌های دولتی و خصوصی می‌باشد.

٦-۲- آمار استنباطی

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود بصورت خلاصه می‌توان گفت تقریباً ٥٤٪ از شرکت-ها از سیاست های تقلیل‌دهنده مالیاتی استفاده نمی-کنند، در مقابل بطور تقریب ٤٦٪ شرکت‌ها از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی استفاده می‌نمایند.

لازم به ذکر است اگر نرخ مالیاتی شرکتی بیش از متوسط نرخ صنعت باشد، در گروه شرکت‌های استفاده‌کننده از سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی طبقه‌بندی می‌شود.

بررسی کلی الگو

در جدول ۳ دیده می‌شود شاخص R^2 تگلرک در الگوی اول برابر ۰/۳۰۳ است که بیانگر قدرت پیش-بینی الگو ۳۰/۳٪است. در الگوی آخر شاخص R^2 نگلرک ۰/۲۳۱و بیانگر قدرت پیش‌بینی ۲۳/۱٪الگو است، یعنی ۲۳/۱٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل رگرسیون لجستیک تبیین می-شود.کای‌دو مدل در مرحله آخر برابر ۱۸/۰۱٦ بوده که سطح معناداری آن کمتر از ٥ درصد می‌باشد؛ بنابراین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تأثیر داشته و نشان‌دهنده برازش مناسبی است. صحت پیش‌بینی الگوی آخر در مجموع ٦٦/۳ است که ۲/۱ قوی‌تر از الگوی اول است.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	سیاست تقلیل-دهنده مالیاتی	نسبت بازده دارایی‌ها	نسبت اهرمی	نوع اظهار نظر حسابرس مستقل	نسبت هیات مدیره موظف	نسبت تغییرات هیات مدیره	نوع مالکیت	وضعیت مالیاتی
تعداد مشاهدات	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷	۹۷
میانگین	۰/٤۸٤٥	۱/۰۰۰۸	۰/٦٦٥٥	۰/۳۷۱۱	۰/۳٤	۰/۱۳۹۱	۰/۲۷۸٤	۰/۳۹۱۸
میانه	۰/۰۰	۰/۰۹٤۲	۰/٦٥۳۸	۰/۰۰۰	۰/۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
حداکثر	۱	۸٤/۰۷	۱/۰۷	۱	۱	۱	۱	۱
حداقل	۰	-۰/۱	۰/۳۲	۰	۰	۰	۰	۰
انحراف معیار	۰/۰٥۱	۰/۸٦٥۸٥	۰/۰۱٥۲۱	۰/۰٤۹۳۱	۰/۰۲۸۷۲	۰/۰۲٥۸۳	۰/۰٤٥۷٤	۰/۰٤۹۸۲

جدول ۲- تعداد و درصد شرکت‌های با سیاست تقلیل و بدون سیاست تقلیل

تعدادشرکت‌های مورد بررسی	تعداد شرکت‌های با TAG صفر و یک		درصد شرکت‌های باTAG صفر و یک	
	صفر	یک	صفر	یک
۹۷	٥۲	٤٥	٪٥۳/٦۱	٪٤٦/۳۹

Archive of SID
www.SID.ir

جدول ۳- نتایج آماری آزمون تمام مشاهدات

آماره‌های الگوی کلی	مرحله اول	مرحله آخر
آماره کای مربع	۲٤/٤۲۸	۱۸/۰۱٦
درجه آزادی	۸	۲
معناداری	۰/۰۲	۰/۰۰
احتمال درست‌نمایی	۱۰۷/۰۰۷	۱۱۳/٤۱۸
R^2کاکس-اسنیل	۰/۲۲۷	۰/۱۷۳
R^2نگلکرک	۰/۳۰۳	۰/۲۳۱
صحت پیش‌بینی الگو	٦٤/۲	٦٦/۳

نتایج بررسی ضرایب جزئی الگو

به منظور تجزیه و تحلیل فرضیه‌های این پژوهش از نتایج آماری مربوط به ضرایب جزئی الگو و نسبت شانس استفاده می‌شود که برای مرحله اول و آخر در جداول ٤ و ٥ ارائه گردیده است. اندازه‌های معناداری ارائه شده در جدول ٤، حاکی از اینست که الگوی مرحله اول، تمامی هفت متغیر مورد بررسی را در بردارد و از بین این متغیرها، ضرایب متغیرهای نسبت بازده دارایی‌ها، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل و وضعیت مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشند. علامت ضرایب مربوط به متغیرهای نسبت بازده دارایی‌ها، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل به ترتیب نشان‌دهنده رابطه مثبت بین این متغیرها و احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و علامت ضریب متغیر مربوط به وضعیت مالیاتی بیانگر رابطه منفی بین این متغیر و احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی است. هم‌چنین بررسی نسبت شانس مربوط به متغیرهای نسبت بازده دارایی‌ها، نوع اظهار نظر حسابرس مستقل بیانگر این است که با افزایش این متغیرها احتمال اقدام به استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی توسط شرکت‌ها افزایش می‌یابد.

نتایج بررسی الگوی مرحله آخر که در جدول ٥ ارائه شده است، حاکی از اینست که ضرایب متغیرهای بازده دارایی‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. لازم به ذکر است که در الگوی آخر، شاخص وضعیت مالیات به رغم معنادار نبودن ضریب این متغیر از معادله حذف نشده است؛ زیرا طبق روش پلکانی حضور این متغیر می‌تواند به کاهش معنادار لگاریتم درست‌نمایی(افزایش کای-دو) کمک نماید.

جدول ٤- ضرایب جزئی به دست آمده در الگوی مرحله اول

آماره‌های الگو	مقدار ثابت	ROA	LEVE	حسابرس	مدیر موظف	تغییر مدیر	مالکیت	وضعیت مالیات
ضریب	-۲/۰٤۹	۸/۷٦٥	۰/٥۹۸	۰/٦۱۲	۱/۳۸۹	۰/٤۳٥	-۰/۰٥۸	-۰/۹۲٥
آماره والد	۱/٥۲٦	٥/۲۷	۰/۰۸۱	۱/۳۷۸	۲/٤۹۸	۰/۱۸٤	۰/۰۱۲	۳/۳۸٤
معناداری	۰/۲۱۷	۰/۰۲۲	۰/۷۷٦	۰/۰۲٤	۰/۱۱٤	۰/٦٦۸	۰/۹۱۲	۰/۰٦٦
نسبت شانس	۰/۱۲۹	٦٤۰٥/۲۰٤	۱/۸۱۹	۱/۸٤٤	٤/۰۱۲	۱/٥٤٥	۰/۹٤٤	۰/۳۹۷

Archive of SID
www.SID.ir

به‌طور کلی نتایج بررسی ضرایب جزئی مدل‌های ارائه شده در مرحله اول و آخر،نشان‌دهنده این است که فرضیه‌های این پژوهش، که به ترتیب رابطه بین نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی را مورد آزمون قرار می-دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، که بطور خلاصه در جدول‌های ۲ تا ۵ ارائه شده، نشان دهنده این است که بین بازده نسبت به دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. هرچند توجه به این نکته حائز اهمیت است که رابطه نسبت بازده دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی به ترتیب رابطه‌ای مثبت و منفی است. ضریب منفی وضعیت مالیاتی بیانگر رابطه منفی آن با سیاست تقلیلی است، بدین مفهوم که شرکت-های دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، به برگه تشخیص مالیاتی اداره دارایی اعتراض نموده‌اند. ضریب مثبت نسبت بازده دارایی‌ها بیانگر رابطه مثبت آن با سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی است، یعنی شرکت-های دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، نسبت بازده دارایی بالاتری دارند.

با توجه به آماره والد و سطح معناداری مربوط به آن، متغیرنسبت بازده دارایی‌ها بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی در سطح ۵ درصد خطا معنی‌دار است، درحالی‌که متغیر وضعیت مالیاتی در سطح ۱۰ درصد خطا معنی‌دار می‌باشد. براساس این خروجی مدل لجیت را می‌توان به صورت زیر ارئه کرد.

$$ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = -0.653 - 0.892(T)_{it} + 7.938(ROA)_{it}$$

تعبیر مدل لجیت به این صورت است که $\boldsymbol{\beta_i}$ میزان تغییر در لگاریتم نسبت برتری را به ازای یک واحد تغییر در متغیر اندازه گیری می کند.بر طبق مدل رگرسیون به ازای یک واحد تغییر در وضعیت مالیات، با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، لگاریتم نسبت برتری به میزان ۰/۸۹۲ در جهت عکس آن تغییر می-کند. این در حالی است که به ازای یک واحد تغییر در نسبت بازده دارایی‌ها، با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، لگاریتم نسبت برتری به میزان ۷/۹۳۸ در همان جهت تغییر می‌کند.

جدول ۵- ضرایب جزئی به دست آمده در الگوی مرحله آخر

آماره‌های الگو	مقدار ثابت	ROA	وضعیت مالیات
ضریب	-۰/٦٥٣	۷/۹۳۸	-۰/۸۹۲
آماره والد	۲/٤٥۲	۷/٤١٤	۳/٥٨٥
معناداری	۰/۱۱۷	۰/۰۰٦	۰/۰٥٨
نسبت شانس	۰/٥۲۱	۲۸۰۲/۷۹٦	۰/٤١

۷- نتیجه‌گیری و بحث

مالیات بیانگر هزینه‌های با اهمیت برای شرکت‌ها است و به طور کلی و عمومی انتظار می‌رود که مدیران اقدامات تقلیل‌دهنده مالیاتی را در پیش گیرند. هیأت مدیره شرکت به عنوان مهم ترین رکن شرکت که انواع تصمیمات مالی و مالیاتی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند بر سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیرگذار باشند. بدین صورت که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و ارقام تعهدی حسابداری، اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات

Archive of SID
www.SID.ir

پرداختی می‌نمایند. به منظور بررسی تجربی این امر در بورس اوراق بهادار تهران برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر سیاست تقلیل دهنده مالیاتی بررسی گردید.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، که بطور خلاصه در جدول‌های ۲ تا ۵ ارائه شده، نشان دهنده این است که بین بازده نسبت به دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با احتمال استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. هرچند توجه به این نکته حائز اهمیت است که رابطه نسبت بازده دارایی‌ها و وضعیت مالیاتی با استفاده از سیاست‌های تقلیل‌دهنده مالیاتی به ترتیب رابطه‌ای مثبت و منفی است. ضریب منفی وضعیت مالیاتی بیانگر رابطه منفی آن با سیاست تقلیلی است، بدین مفهوم که شرکت-های دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، به برگه تشخیص مالیاتی اداره دارایی اعتراض نموده‌اند. ضریب مثبت نسبت بازده دارایی‌ها بیانگر رابطه مثبت آن با سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی است، یعنی شرکت-های دارای سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی، نسبت بازده دارایی بالاتری دارند.

به‌طور کلی نتایج بررسی ضرایب جزئی مدل‌های ارائه شده در مرحله اول و آخر، نشان‌دهنده این است که فرضیه‌های این پژوهش، که به ترتیب رابطه بین نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی را مورد آزمون قرار می-دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.به عبارتی نسبت اعضای موظف هیأت مدیره، نسبت تغییرات رئیس هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی تأثیر معناداری ندارد.

به عبارتی بر خلاف پژوهش لنیس و ریچاردسون[18] (۲۰۱۱)که بیان می نماید وجود نسبت بالایی از اعضای خارجی در هیأت مدیران، احتمال رفتارهای تقلیل‌دهنده مالیاتی را کاهش می‌دهد، در این پژوهش وجود رابطه بین نسبت اعضای موظف هیأت مدیره با سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی را رد می نماید

به عبارتی نتایج پژوهش،این استدلال که هزینه-های مالیاتی منجر به فعالیت‌های تقلیل‌دهنده و کاهش‌دهنده مالیات، به خصوص اقداماتی که ناشی از مشکلات نمایندگی است را در بورس اوراق بهادار تهران رد می نماید. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل‌دهنده مالیاتی ندارد. اما این درحالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی‌ها به ترتیب رابطه‌ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی دارند.

از آنجا که هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام سهامداران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌باشد لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی تقلیل‌دهنده از جمله خط مشی‌هایی است که در ارزیابی عملکرد مدیران از سوی سهامداران و هم‌چنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد.

طبق تئوری نمایندگی، از آنجا که مدیریت همواره بدنبال منافع خود و حداکثر سازی آن است و الزاماً در جهت منافع سهامداران و دولت نیست، لذا ممکن است در حوزه مالیاتی با اتخاذ سیاستی تقلیل‌دهنده خاص مبادرت به ایجاد هزینه‌هایی برای سهامداران نماید.

Archive of SID
www.SID.ir

با توجه به مبانی نظری و یافته‌های آزمون فرضیه-های پژوهش بـه اسـتفاده‌کننـدگان از اطلاعـات مـالی پیشنهاد می‌شود، برای تشخیص بکار بـردن سیاسـت-های تقلیل‌دهنده مالیاتی توسط مـدیریت، از ویژگـی-های حاکمیت شرکت صرفاً به تنهایی استفاده نشود و سایر متغیرهای اثرگذار همچـون وضـعیت مالیـاتی و نوع گزارش حسابرس مستقل و بازده دارایی‌ها نیز در نظر گرفته شود.

به پژوهشگران توصیه می‌شود این پـژوهش را بـا در نظر گرفتن سایر ویژگی‌هـای حاکمیـت شـرکتی و سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی مـورد آزمـون قـرا دهنـد. هـم‌چنـین تـأثیر ویژگـی‌هـای حاکمیـت شـرکتی بـا سیاست‌های نقدی تقلیل‌دهنده مالیـاتی مـورد آزمـون قرار گیرد و در آخر مقایسه‌ای میان تأثیر ویژگـی‌هـای حاکمیت شرکتی بـر سیاسـت‌هـای نقـدی و تعهـدی تقلیل‌دهنده مالیاتی صورت گیرد.

فهرست منابع

* باباجـانی،جعفر و مجیـد عبـدی(۱۳۸۹)،"رابطـه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شـرکت-ها"
* مجلـه پـژوهش‌هـای حسـابداری مالی،سـال دوم شماره سوم.۸۶-۶۵.
* Armstrong, C.S., J.L. Blouin, and D.F. Larcker.(2010). The incentives for tax planning. Working, Paper, SSRN: http://ssrn.com/abstract=1416422.
* Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and T. Shevlin.(2010). Are family firms more tax aggressive thannon-family firms? Journal of Financial Economics 95: 41-61.
* Desai, M.A., and D. Dharmapala.(2006)a. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. Journal of Financial Economics 79: 145-179.
* Dyreng, S.D., M. Hanlon, and E.L. Maydew.(2008). Long-run corporate tax avoidance.TheAccounting Review 83 (1): 61-82.
* Garbarino, Carlo (2008),Aggressive TaxStrastegiesand Corporate Tax Governance: An InstitutionalApprach, Working, Paper, SSRN: http://ssrn.com/abstract=1428772.
* Lanis, R, and G. Richardson.(2011), Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness, Electronic copy available at: http://ssrn.com/abstract=1904002.
* Lanis, R, and G. Richardson.(2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. Journal of Accounting and Public Policy30 (1): 50-70.
* osemeke, Louis(2011),The Study of the Effect of Role of Board of Director Characteristics on Corporate Social Responsibility of Public Listed Company in Nigeria, Working, Paper, SSRN http://ssrn.com/abstract=1972954.
* Peng, C, Lee,K and Ingersoll, G. M (2002). An Introduction to Logistic Regression Analysis and Reporting.The Journal of Educational Research.pp 3-14.
* Steijver,Tensie, and Niskanen, Mervi (2011), Tax Aggressive Behaviour in Private Family Firms-The Effect of the CEO and Board of Directors.Available at: http://ssrn.com/abstract=1937651.

یادداشت‌ها

[1]Desai. and. Dharmapala
[2]Dyreng, Hanlon. and Maydew
[3]Armstrong, Blouin, and. Larcker.
[4]Lanis, and Richardson.
[5]Lanis, R, and G. Richardson
[6]Lanis, R, and G. Richardson
[7]Cox & Snell R Square
[8]Negelkerke R Square
[9]Peng
[10]Exe Board
[11]Board Change
[12]Duality-Chairman
[13]Opinon
[14]Tax
[15]Type Owne
[16]Tax Aggressiveness policies
[17]Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and. Shevlin
[18]Lanis, R, and G. Richardson

Archive of SID

www.SID.ir